



تقویم جلالی

* سیدحسین رضوی خراسانی*

دبير تاریخ منطقه ۴ شهر تهران

اشاره

امید است این مقاله به پرسش‌های برخی از دیبران محتمم تاریخ پاسخ دهد و باب تازه‌ای را برای بررسی دقیق‌تر همه‌ی نظام‌های گاه‌شماری مطرح شده در کتاب درسی بگشاید.

کلید واژه: گاه‌شماری، تقویم جلالی، نام روزها، و ...

مقدمه

یکی از نظام‌های گاه‌شماری که در دوره‌ی سلجوقیان پایه‌گذاری شد و مبنای تقویم شمسی رایج در ایران به شمار می‌رود، «تقویم جلالی» است.

تقویم جلالی یا «تقویم ملکی»^۱، تقویم شمسی است که در دوره‌ی فرمانروایی جلال الدین ملکشاه سلجوقی (۸۵-۴۶۵ ق.) در قسمت وسیعی از ایران آن روز رایج شد [صاحب، ۱۳۸۳، چ ۱: ۸-۷۶].

در باب پیدایش و روند ساخت و تنظیم این تقویم، لازم به ذکر است که در دوره‌ی ساسانیان، اخذ و دریافت خراج و مالیات‌های دولتی به هنگام نوروز آغاز می‌شد و این سنت و بسیاری از رسوم دیگر در دربار عباسیان، به دلیل غلبه‌ی فرهنگ و تمدن ایرانی معمول بود. از آن‌جا که قاعده‌ی «کبیسه» در «تقویم یزدگردی» بعد از ورود اسلام به ایران

یکی از اركان مهم علم تاریخ «زمان» است. در مطالعات تاریخی، شناخت دقیق و صحیح موقع وقوع یک رویداد تاریخی اهمیت فراوانی دارد. زیرا تمامی تحلیل‌های تاریخی یک رویداد، بعد از شناخت دقیق زمانی آن صورت می‌گیرند و در صورت ناگاهی از زمان حقیقی آن، تحلیل‌ها ضعف‌های جدی علمی خواهد داشت. به همین دلیل «گرونولوژی»^۲، یعنی بررسی ترتیب زمانی رویدادها، از مقدمات و اصول اولیه‌ی علم تاریخ است. مورخان، برای شناخت زمانی رویدادهای دوره‌ی تاریخی، نیازمند آشنایی با علم گاه‌شماری دوره‌های مطالعاتی خود هستند. زیرا هر ملتی در دوره‌های تاریخی گوناگون با توجه به معیارهای مذهبی، ملی و سیاسی خود، نظام‌های گاه‌شماری متفاوتی پایه‌ریزی و وقایع تاریخی و حوادث و رویدادها را بر اساس آن تاریخ گذاری کرده است. لذا شناخت ترتیب زمانی موقع رویدادها بدون آگاهی از مبنای گاه‌شماری دوره‌ی مطالعاتی مورد نظر غیرممکن است.

چکیده

مقاله‌ی حاضر سعی دارد به چگونگی و شکل این تقویم، و برخی مختصات و ویژگی‌های آن پردازد. با توجه به آن‌که در درس دوم کتاب «تاریخ‌شناسی» به صورت بسیار اجمالی به تقویم جلالی اشاره شده،

فروردين ماه که آغاز سال نواست، «نوروز سلطانی» نامیده شد [نک: بيرجندي، ورق ۳۰].

مبدأ اين تقويم روز جمعه دهم رمضان سال ۴۷۱ هجرى قمرى، مطابق با پانزدهم مارس ۱۰۷۹ ميلادي و پانزدهم آزار ۱۳۹۰ اسكندرى (سريانى) و ۱۹ فروردین سال ۴۴۸ یزدگردى است [نبشى، ۱۳۶۶: ۱۶۷؛ عبدالهی، ۱۳۶۶: ۳۰۱؛ ۱۳۸۱: ۳۵۰]. در «سى فصل» خواجه نصیرالدين طوسى آمده است که «نام ماه های اين تاريخ هم نام ماه های فارسيان است» [نصيرالدين طوسى، ورق ۷۸۲]، و سال را به چهار فصل طبیعی بهار، تابستان، پايز و زمستان تقسیم کردند. در اين تقويم، سال به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم شد و خمسه مترقبه را در آخر اسفند اضافه کردند. هر چهار سال یا پنج سال نيز، يك روز را كيسه و آن هفت بار، نوبت كيسه چهار سالی است که آن را اصطلاحاً «رباعي» می گويند. در مدت يك دور ۳۲ سالی، نوبت كيسه پنج سالی یا خمساني بود که به جاي چهار سال، سال پنجم را كيسه گرفتند و به جاي سال ۳۲، سال ۳۳ را ۳۶۶ روز می شمرdenد [بيرجندي، ورق ۳۰؛ نصيرالدين طوسى، ورق ۷۸۷؛ شيرازى، ورق ۲۰].

طبق گزارش خواجه نصیرالدين و برخى دیگر از منجمان، نام ماهها

نام روزهای ماه در گاهشماری جلالی نام ماه های گاهشماری جلالی

نام ماه	شماره	نام ماه	شماره	روزهای ماه	شماره	روزهای ماه	شماره
نو	۱	اسپ تاز	۱۸	جشن ساز	۱		
نوبهار	۲	بزم نه	۱۹	گوی باز	۲		
گرمافرا	۳	پايدار	۲۰	سرفراز	۳		
روز افرون	۴	مهرگار	۲۱	کشن نشين	۴		
جهان تاب	۵	دوست بين	۲۲	نوش خور	۵		
جهان آرا	۶	جانفرا(ای)	۲۳	غم زدای	۶		
مهرگان	۷	بت فریب	۲۴	برج فروز	۷		
خرزان	۸	کامران	۲۵	مال بخش	۸		
سرمافرا	۹	شادپاش	۲۶	زرفشار	۹		
شب افروز	۱۰	دیرزی	۲۷	نام جو(ای)	۱۰		
آتش افروز	۱۱	شیر گیر	۲۸	رزم جو(ای)	۱۱		
سال افرون	۱۲	کامیاب	۲۹	کينه کش	۱۲		
		ای شهريار	۳۰	تیغ زن	۱۳		
		شماره	داده ده	داده ده	۱۴		
		آفرين	۱	دين پژوه	۱۵		
		فرخ	۲	دبور بد	۱۶		
		فیروز	۳	راه گشا(ای)	۱۷		
		رامشت	۴				
		درست	۵				

روزهای سال در گاهشماری جلالی نام های فارسی (نام های گاهشماری یزدگردی است)، اما در سی فصل، فهرستی متفاوت از نام ها و روزهای ماه و خمسه مترقبه ذکر شده است.
شيخ بهائي نيز در «خلالص الحساب»، عيناً همين نام ها را ذكر

ديگر اجرانمى شد، «نوروز» از نقطه ای اعتدال ربيعى خارج شده بود و کارگاران مالياتی برای تعين زمان دریافت ماليات به زحمت افادة و مردم نيز با مشکلات فراوانی روبه رو شده بودند. به همین سبب، دو تن از خلفای عباسی به نام های متوكل و معتصد به فکر كيسه کردن سال های ايراني بنا بر رسم ايراني پيش از اسلام افتادند [صفا، بى تا: ۸].

با تمام تلاش هایی که در جهت ثبت آغاز سال در اول خرداد صورت گرفت، به دليل عدم دقت لازم در تقويم معتقد (از لحظات احتساب ساعات اضافي سال) به مرور زمان، نابسامانی های در اين تقويم بروز كرد [نبشى، ۱۳۶۶: ۱۶۶]. از سوي دیگر، بى توجهی به اجرای كيسه موجب شده بود که در اوایل فرمانروايی ملکشاه، ورود خوشيد به اول حمل^۱ نه در اول فروردین، بلکه در نوزدهم فروردین صورت گيرد و نوروز به اندازه ۱۸ روز جابه جا شود [اكرمي، ۱۳۸۰: ۴۹]. زيرا همان گونه که بيان شد، بعد از فتح ايران توسط مسلمانان، تقويم یزدگردی بى كيسه و بهيزك حساب مى شد. به اين دليل، نوروز در يك جا ثابت نمى ماند و همواره با اول بهار که آغاز سال طبیعی است، مطابقت نمى كرد؛ به طوری که خواجه نظام الملک طوسی و ملکشاه در صدد اصلاح تقويم و بنای رصد بندیدي برآمدند [همایي، ۱۳۱۷: ۴۴۱-۲؛ ملک پور، ۱۳۷۸: ۹-۱۰؛ دهدزا، ۱۷: ۷۳]. برای اجرای اين أمر مهم، جمعی از منجمان و رياضي دانان معروف آن عصر، نظير عمر بن ابراهيم خيماني، ابوالمظفر اسفرازى، ميمون بن نجحيب واسطي، خواجه عبدالرحمن خازنی و برخى دیگر که سرامد علمي همه ايان عمر خيمابود، دعوت شدند. آنان به مدد دانش بالاي خود اين تقويم را بنا نهادند که به گزارش ابن اثير، «اتا سال چهارصد و هشتاد و پنج که سلطان درگذشت، داير بود» [ابن اثير، بى تا، ج ۱۷: ۷۵]. اين افراد به اصلاح و احياء تقويم شمسى ايراني بر مبنای هجرت پمامير بزرگ اسلام(ص) پرداختند و تقويم جديد را برايساس لقب سلطان جلال الدین ملکشاه، تقويم «جلالى» ناميديند.

در تقويم جلالى، آغاز سال نو هنگام ورود خوشيد به برج حمل تعين شد. اول فروردین ماه که آغاز سال جديد است، روزى است که آفتاب در نصف النهار آن روز در درجه ای اول برج حمل قرار دارد؛ مشروط بر اين که در نصف النهار روز قبل در برج حرث^۲ بوده باشد [نبشى، ۱۳۶۶: ۱۶۶]. هم چنين گفته اند، روز اول فروردین ماه در تقويم جلالى روزى است که ورود خوشيد به برج حمل، بین ظهر روز قبل و ظهر آن روز انجام گرفته باشد [كاوه، ۱۳۷۳: ۱۱۰]. مهم ترين ويرگى گاهشماری جلالى که آن را از ساير گاهشماری های دیگر ايراني تمایز مى كند، نخستین كيسه اى است که به هنگام رسميت یافتن اين تقويم اعمال شد [دانش نامه اى جهان اسلام، ۷: ۸۲۰]. هنگام تنظيم اين تقويم، تحويل آفتاب به برج حمل، مصادف با هجدهم فروردین ماه یزدگردی بود. بنابراین ۱۸ روز را كيسه اعلام کردن و اين كيسه به ملکشاهی يا جلالى مشهور شد. يكم



می کند [شیخ بهایی، نسخه‌ی خطی، شماره‌ی ۴۴۰۹: ۷۰]. نیز نگاه کنید به: عبداللهی، ۱۳۶۶: ۳۶۶-۷؛ نبئی، ۱۳۶۶: ۱۶۷؛ دانش‌نامه‌ی جهان اسلام: ۸۳۰-۲]. مدت زمان یک سال تقویمی جلالی برابر است با مدت زمان یک دور کامل زمین به دور خورشید؛ یعنی ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه. خرد زمان ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه در هر چهار یا پنج سال یک روز حساب می شود و به عنوان کیسه به پنج روز خمسه مستترفه اضافه می شود. سال در تقویم جلالی، سال معمولی و شمسی اصطلاحی^۴ است، با وجود این، از تمام تقویم‌های معمولی جهان به سال شمسی حقیقی^۵ کاملاً نزدیک‌تر است [نبئی، ۱۳۶۶: ۱۶۹] و آن را می‌توان دقیق‌ترین تقویم جهان دانست. اما نکته‌ی حائز اهمیت آن است که در تقویم جلالی، مانند تقویم شمسی کشور ایران، سال‌های کیسه‌ی ثابت نیستند و کیسه‌کردن پس از نتایج رصد در هر سال انجام می‌گیرد. زیرا طول سال شمسی تا ۲۰ دقیقه کم و زیاد می‌شود، اما متأخرین به دلیل بی‌اطلاعی از این تغییرات، بر حسب طول سال شمسی رصد شده کیسه‌را تعیین می‌کردند. البته با درنظر گرفتن طول متوسط سال شمسی که در هر هزار سال ۵ ثانیه کوتاه‌تر می‌شود، می‌توان کیسه‌های تقویم جلالی را ثابت و شاید این تنها عیب تقویم مذکور را اصلاح کرد [صاحب، ۱۳۸۳: ۶۵۷-۸].

البته محقق برجسته‌ی ایرانی، دکتر عبدالرضا عبداللهی، ضمن رد این نقیصه می‌نویسد: «به رغم عقاید گوناگون و نادرستی که درباره‌ی قانون برقراری کیسه‌های جلالی تا به امروز ارائه شده، منجمان دست اندرکار اصلاح گاه‌شماری، قانون بسیار هوشمندانه‌ای را برای برقاری کیسه‌های جلالی مدون ساخته‌اند که نه تنها به وسیله‌ی آن سال‌های کیسه در آینده مشخص می‌شوند، بلکه با به کار بردن آن، تمامی سال‌های کیسه و عادی از بدتو تأسیس گاه‌شماری مذکور تا به امروز، به سادگی مشخص می‌شود [عبداللهی، ۱۳۶۶: ۳۰۶]. با بررسی اثر ابوالفتح عبدالرحمن خازنی، مؤلف «زیج سنجری» که هم‌زمان با تأسیس تقویم جلالی می‌زیست و جدولی که خواجه نصیرالدین طوسی در سی فصل ارائه می‌دهد، وجود یک ضابطه و قاعده‌ی دقیق و منظم را در اعمال کیسه می‌توان دریافت» [همان، ص ۱۶-۲۱۳].

* نویسنده‌ی درس‌های دوم و سوم تاریخ دوره‌ی پیش‌دانشگاهی

بی‌نوشت

1. Choronology

- جلال الدین همایی در تاریخ ادبیات ایران آن را ملکشاھی یا فارسی محدث نیز نام برده است [همایی، ۱۳۱۷: ۴۴۰].
- ابوالعباس احمد معتقد بالله، شاذ‌دهمین خلیفه‌ی عباسی (۲۸۹-۲۷۰ هـ، ق)،

دست به اصلاحاتی در تقویم شمسی ایرانیان زد. هدف او از این کار، ثابت کردن نوروز و یا آغاز سال مالی در جای خود بود. نوروزی که در عهد او برقار شد «نوروز معنضدی» نامیده می‌شد. اما از آن جاکه در تعیین کیسه‌ی دقت کافی نشده بود، اصلاح تقویم درست نبود. بعدها در زمان خلافت ابوبکر عبدالکریم، ملقب به طائع‌لام الله (خلافت ۳۶۳-۳۸۱)، اصلاحاتی به عمل آمد. سپس ایوم‌نصرت‌نژار، ملقب به عزیز‌بالله، خلیفه‌ی فاطمی مصر (خلافت ۳۸۵-۳۸۶) نیز اصلاحی به عمل آورد که تاسده‌ی ششم ادامه یافت [نک: بیرونشک، ۱۳۸۰: ۶۱۵].

۴. اسامی صور فلكی عبارت اند از: ۱. حمل، ۲. ثور، ۳. جوزا (آوامان)، ۴. سرطان، ۵. اسد، ۶. سنبه (عذرای)، ۷. میزان، ۸. عقرب، ۹. قوس (رامی)، ۱۰. جدی، ۱۱. دلو، ۱۲. حوت. طبق نوشته‌ی صور‌الکواكب، تعداد ستارگان این صورت‌های فلكی ۲۸۹ عدد و آن‌چه خارج از صورت‌ها قرار دارند، ۱۵۷ عدد است. بنابراین، مجموع ستارگان منطقه‌ی البروج ۳۴۶ عدد است. سرآغاز این برج‌ها حمل است که از نقطه‌ی اعتدال ریبیعی آغاز می‌شود و برایر با فروزدین ماه است [نبئی، ۱۳۶۶: ۴۳].

۵. حوت یکی از صورت‌های فلكی در منطقه‌ی البروج به شکل ماهی است. برج دوازدهم از دوازده برج فلكی، برایر با ماه اسفند است [غمید، ۱۳۷۷: ۸۱۱].

۶. اختساب سال بدن در نظر گرفتن خوده ایام و پایان پذیرفتن ۱۲ ماه قراردادی بر مبنای ۳۰ روز و ۳۱ روز، این برج فلكی بود [نبئی، ۱۳۶۶: ۵۵].

۷. سال شمسی حقیقی عبارت است از مدت زمان یک دور حرکت کامل زمین به دور خورشید که برایر است با ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۸ ثانیه و ۸ صدم ثانیه و تقویم کشور ایران بر مبنای نقطه‌ی اعتدال ریبیعی بر این اساس پایه‌ریزی شده است.

۸. عبدالعلی بن محمد حسین بیرجندی [۹۲۹: ۵-۶، ق] می‌نویسد: از آن جاکه طول حقیقی سال شمسی در سال‌های گوناگون متفاوت است، تعیین دقیق سال‌های کیسه‌ی تقویم جلالی، تنها از طریق رصد سالیانه امکان پذیر است [عبداللهی، ۱۳۶۶: ۳۱۶].

منابع

۱. کاوید، علی‌محمد. گاه‌شماری و تاریخ گذاری از آغاز تاسرانجام. نشر بردار. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۳.
۲. بیانات، عزیز‌الله. کلیات گاه‌شماری در جهان. دانشگاه شهرهیئتی. تهران. ۱۳۸۱.
۳. اکبری، موسی. گاه‌شماری ایرانی. دفتر پژوهش هنری. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۴. سلک‌پور، ابریم. تقویم پنج هزار ساله‌ی هجری شمسی. پژوهشکاری راه کمال. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۸.
۵. داشنامه‌ی جهان اسلام (ج ۷). زیر نظر غلامعلی حداد عادل. بنیاد دائرة المعارف فارسی. تهران.
۶. دهدخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه (ج ۱۷). مؤسسه‌ی نفت نامه دهدخدا.
۷. هودت، ناصرالله. گاه‌شماری پاسائی مردمان مازندران و گilan و پژوهش در بنیان گاه‌شماری‌های ایرانی مردم‌پاسائی. ناشر مؤلف. تهران. ۱۳۷۵.
۸. ابن‌البر، عزالدین. کتاب تاریخ پزروگ اسلام و ایران (ج ۱۷). ترجمه‌ی علی هاشمی جاوری. انتشارات کتب ایران. تهران. نی. تا.
۹. شیرازی، علی‌اکبر. شرح می‌صلح. سی‌فصل. سخنی‌خطی. شماره‌ی ۳۶۸۱. کتابخانه‌ی ملی.
۱۰. نصیرالدین طوسی، محمدبن‌محمد. سی‌فصل. سخنی‌خطی. شماره‌ی ۱۱۴۵۳.
۱۱. کتابخانه‌ی ملی.
۱۲. بیرجندی عبدالعلی. در شرح زیج سلطانی. نسخه‌ی خطی. شماره‌ی ۲۷۳۶.
۱۳. کتابخانه‌ی ملی.
۱۴. عاملی، شیخ بهاء‌الدین. خلاصه‌ی الحساب. نسخه‌ی خطی. شماره‌ی ۷۷۶۳. وار ۳۵۲.
۱۵. تقی‌زاده، سیدحسن. مقالات (ج ۱). زیر نظر ابریج افشار. چاپ خانه‌ی بیست و پنج شهربیور. ۱۳۴۹.
۱۶. نبئی، ابوالفضل. تقویم و تقویم‌نگاری در ایران. آستان قدس. مشهد. چاپ دوم. ۱۳۶۶.
۱۷. صفا، هاشم. گاه‌شماری و جشن‌های ایرانیان. انتشارات فروهر. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۶.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله. گاه‌شماری و جشن‌های ایرانیان. مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی. تهران. نی. تا.
۱۹. همایی، جلال الدین. تاریخ ادبیات ایران. تهران. ۱۳۱۷.
۲۰. بیرونشک، احمد. گاه‌شماری ایرانی. بنیاد دانش‌نامه‌ی بزرگ فارسی. تهران. چاپ سوم. ۱۳۷۹.